

## Islamic Knowledge and Insight

### The Application of Emotion Cognition in the Abstract Vocabulary of the Qur'an: An Analysis from a Psycholinguistic Perspective

1. Hamed Vashani: PhD Student, Department of General Linguistics, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
2. Kamran Mehregan \*: Department of English Language Teaching, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Email: kamranmehregan@iau.ac.ir)
3. Goodarz Shakibaei: Department of English, Ahv.C, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
4. Bahman Gorjian: Department of Foreign Languages, Arv.C., Islamic Azad University, Abadan, Iran.

#### Abstract

The Holy Qur'an, beyond being an inspirational text, constitutes an integrated cognitive-affective system that influences the audience's cognitive and emotional processes through abstract vocabulary. The present study, adopting a qualitative approach and a descriptive-analytical method and employing thematic analysis, examines the application of emotion cognition in the abstract vocabulary of the Qur'an from the perspective of psycholinguistics. Data were collected through purposive sampling of verses containing terms such as taqwā (piety), sakīnah (tranquility), rajā' (hope), and khashyah (awe), and were analyzed within the theoretical frameworks of cognitive linguistics and the psychology of emotion. Accordingly, following data coding and analysis, the core category of "Qur'anic abstract vocabulary as tools for emotion cognition" was identified, along with the following subcategories: "naming and differentiating complex emotions," "emotion regulation through cognitive reappraisal," "induction of positive emotions through conceptual metaphors," and "therapeutic and preventive functions in mental health." The findings indicate that Qur'anic abstract vocabulary, within a radial network framework, not only carries rich cognitive meanings but also functions as a set of tools for emotion cognition, emotion regulation through cognitive reappraisal, and the induction of positive emotions via conceptual metaphors. These mechanisms demonstrate clear therapeutic functions and are aligned with contemporary psychotherapeutic approaches, including cognitive-behavioral and mindfulness-based therapies. Overall, the results suggest that the Holy Qur'an represents a rich source of evidence-based psychological strategies that can be utilized in religious-psychological counseling and in the promotion of community mental health.

**Keywords:** *Qur'anic abstract vocabulary; emotion cognition; psycholinguistics; radial network; emotion regulation; mental health.*

## معرفت و بصیرت اسلامی

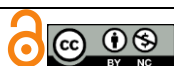
### کاربرد شناخت احساسات در واژگان انتزاعی قرآن: تحلیل با رویکرد روان‌شناسی زبان

۱. حامد واشانی: دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
۲. کامران مهرگان \*: گروه آموزش زبان انگلیسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (پست الکترونیک: kamranmehregan@iau.ac.ir)
۳. گودرز شکیبایی: گروه زبان انگلیسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
۴. بهمن گرجیان: گروه زبان‌های خارجه، واحد بین‌المللی اروند، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

#### چکیده

قرآن کریم، فراتر از یک متن الهام‌بخش، سامانه‌ای شناختی-عاطفی یکپارچه است که از طریق واژگان انتزاعی، بر فرآیندهای شناختی و هیجانی مخاطب تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل تماتیک، به بررسی کاربرد شناخت احساسات در واژگان انتزاعی قرآن از منظر روان‌شناسی زبان پرداخت. داده‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند از آیات حاوی واژگانی چون «تقوا»، «سکینه»، «رجاء» و «خشیت» گردآوری و در چارچوب نظری زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی هیجان تحلیل شدند. بدین ترتیب پس از کدگذاری و تحلیل داده‌ها مقوله اصلی «واژگان انتزاعی قرآن به‌عنوان ابزارهای شناخت احساسات» و زیر مقوله‌ها عبارتند از: «نام‌گذاری و تمایز احساسات پیچیده»، «تنظیم احساسات از طریق بازسازی شناختی»، «القای احساسات مثبت از طریق استعاره‌های مفهومی» و «کارکرد درمانی و پیشگیرانه در سلامت روان». نتایج تحقیق نشان داد که واژگان انتزاعی قرآن در چارچوب شبکه‌ی شعاعی، نه تنها معانی شناختی غنی دارند، بلکه به‌عنوان ابزارهایی برای شناخت احساسات، تنظیم هیجان از طریق بازسازی شناختی و القای احساسات مثبت از طریق استعاره‌های مفهومی عمل می‌کنند. این مکانیسم‌ها، کارکردهای درمانی مشخصی دارند و با رویکردهای معاصر روان‌درمانی از جمله درمان‌های شناختی-رفتاری و مبتنی بر ذهن‌آگاهی هم‌راستا هستند. یافته‌ها نشان می‌دهند که قرآن کریم منبعی غنی از استراتژی‌های روان‌شناختی مبتنی بر شواهد است که می‌تواند در مشاوره‌ی دینی-روان‌شناختی و بهبود سلامت روان جامعه به‌کار گرفته شود.

**کلیدواژگان:** *واژگان انتزاعی قرآن، شناخت احساسات، روان‌شناسی زبان، شبکه شعاعی، تنظیم هیجان، سلامت روان.*



**How to cite:** Vashani, H., Mehregan, K., Shakibaei, G., & Gorjian, B. (2025). The Application of Emotion Cognition in the Abstract Vocabulary of the Qur'an: An Analysis from a Psycholinguistic Perspective. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(4), 1-12.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 July 2025

Revise Date: 14 December 2025

Accept Date: 21 December 2025

Initial Publish Date: 23 December 2025

Final Publish Date: 10 January 2026

شیوه استناددهی: واشانی، حامد، مهرگان، کامران، شکیبایی، گودرز، گرجیان، بهمن. (۱۴۰۴). کاربرد شناخت احساسات در واژگان انتزاعی قرآن: تحلیل با رویکرد روان‌شناسی زبان. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۳(۴)، ۱-۱۲.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۳ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۰۲ دی ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۲۰ دی ۱۴۰۴

## مقدمه

قرآن کریم، به عنوان مهم ترین متن دینی، فرهنگی و زبانی جهان اسلام، فراتر از یک منبع هدایت معنوی، حاوی سامانه ای غنی از مفاهیم زبانی، عاطفی و روان شناختی است. یکی از ویژگی های برجسته ی زبان قرآن، به کارگیری گسترده از واژگان انتزاعی است؛ واژگانی که به مفاهیمی فراتر از حوزه ی محسوسات اشاره دارند و اغلب بار معنایی عمیقی از جنس عشق، ترس، امید، خشیت، آرامش و انس الهی را در خود جای داده اند (Khakpour & Belvardi, 2015). این واژگان، به دلیل ماهیت انتزاعی شان، توانایی ایجاد واکنش های عاطفی و شناختی منحصر به فردی در مخاطب دارند و نقشی کلیدی در شکل دهی به رابطه ی ذهنی و عاطفی مخاطب با متن مقدس ایفا می کنند.

از دیدگاه زبان شناسی شناختی، معنا به صورت ایستا و ثابت در نظر گرفته نمی شود، بلکه در تعامل پویا با زمینه های گوناگون زبانی، فرهنگی و شناختی شکل می گیرد. در این چارچوب، نظریه ی شبکه ی شعاعی<sup>۱</sup> که توسط لیکاف<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) مطرح شد، چارچوبی مناسب برای تحلیل چندمعنایی و گسترش معنایی واژگان انتزاعی در قرآن فراهم می آورد. بر اساس این نظریه، هر واژه دارای یک معنای مرکزی یا پیش نمونه<sup>۳</sup> است که سایر معانی در قالب شعاع هایی از این مرکز، بر اساس روابط استعاری، طرحواره های تصویری و هم نشینی معنایی، گسترش می یابند (Lakoff, 1987).

پژوهش های اخیر در حوزه ی معناشناسی شناختی قرآن، به ویژه با رویکرد شبکه ی شعاعی، زمینه ی مناسبی برای درک چندمعنایی و گسترش معنایی واژگان قرآنی فراهم کرده اند. شیخی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه ای با عنوان «کاربست نظریه ی شبکه ی شعاعی در معناشناسی واژگان قرآنی (صراط، سیل، طریق)» نشان دادند که این واژگان، با وجود معنای مرکزی «راه فیزیکی»، در قرآن به معنای استعاری مانند «راه هدایت الهی» یا «سیل حق» گسترش یافته اند.

آن ها استدلال کردند که این گسترش بر اساس طرحواره های تصویری (مانند طرحواره ی حرکت و مسیر) و استعاره های مفهومی مانند «زندگی به عنوان سفر» صورت گرفته است و نشان دهنده ی تطبیق پیام قرآن با ساختارهای شناختی انسان است (Sheikhi et al., 2022).

همچنین، امدادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی چندمعنایی واژگان قرآن کریم بر مبنای رویکرد معناشناسی واژگانی شناختی»، با تحلیل چهارده واژه ی چندمعنایی، نشان دادند که معانی مختلف این واژگان حول یک پیش نمونه ی مرکزی سازمان یافته اند و معانی حاشیه ای از طریق فرآیندهای استعاری شکل گرفته اند. آن ها تأکید کردند که شناخت این شبکه های معنایی می تواند به پذیرش تفسیرهای چندگانه ی قرآن در چارچوبی زبان شناختی مشروع کمک کند (Emdadi et al., 2021). در همین راستا، نیلی پور (۱۳۹۵) در مطالعه ای اختصاصی درباره ی واژه ی «تقوا»، با به کارگیری نظریه ی شبکه ی شعاعی، نشان داد که این واژه در قرآن از یک معنای مرکزی «محافظت از خطر» به سوی معانی معنوی تری مانند «مراقبت از رابطه ی با خدا» گسترش یافته است (Nilipour et al., 2016). با وجود این پیشینه های ارزشمند، جنبه ی روان شناختی و عاطفی واژگان انتزاعی قرآن همچنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش های موجود عمدتاً بر ابعاد معناشناختی و ساختاری واژگان متمرکز بوده اند و کمتر به این پرسش پرداخته اند که چگونه این واژگان، فراتر از انتقال مفهوم، احساسات خاصی را در مخاطب القا می کنند و چه نقشی در شکل گیری تجربه ی عاطفی-معنوی مخاطب با متن قرآن ایفا می نمایند. در حالی که احساسات نقشی محوری در فرآیندهای شناختی، تصمیم گیری و رفتار انسان ایفا می کنند (Damasio, 1999)، درک اینکه چگونه واژگان انتزاعی قرآن احساساتی چون عشق، ترس، امید یا آرامش را القا می کنند، می تواند به درک عمیق تری از پیام های قرآن منجر شود. این درک، نه تنها برای

<sup>3</sup> . prototype

<sup>1</sup> . Radial Category Model

<sup>2</sup> . Lakoff

تفسیر دقیق‌تر آیات حیاتی است، بلکه کاربردهای عملی گسترده‌ای در حوزه‌هایی مانند مشاوره‌ی دینی-روان‌شناختی، سلامت روان و طراحی محتوای معنوی مؤثر دارد.

این خلاء پژوهشی، به‌ویژه در مطالعاتی که مستقیماً به بار عاطفی واژگان و تأثیر روان‌شناختی آن‌ها بر مخاطب می‌پردازند، ضرورت پژوهشی را آشکار می‌سازد که ضمن استفاده از چارچوب‌های شناختی (مانند شبکه‌ی شعاعی)، به‌طور همزمان به ابعاد احساسی و روان‌شناختی زبان قرآن نیز توجه کند. پژوهش حاضر با تلفیق زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی زبان، گامی فراتر از پژوهش‌های پیشین برمی‌دارد و برای نخستین بار، شبکه‌ی شعاعی واژگان انتزاعی قرآن را نه تنها از منظر ساختار معنایی، بلکه از منظر بار عاطفی و القای احساس تحلیل می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر واژگانی که مستقیماً با احساسات الهی و انسانی در ارتباطاند (مانند «تقوی»، «عدل»، «سکینه»، «خوف»، «رجاء»)، نشان می‌دهد که چگونه گسترش معنایی این واژگان در شبکه‌ی شعاعی، هم‌زمان با القای احساسات خاصی همراه است و چگونه این احساسات، رابطه‌ی مخاطب با متن را تقویت می‌کنند.

علاوه بر این، پژوهش حاضر با ارائه‌ی چارچوبی کاربردی، به‌کارگیری یافته‌های خود را در حوزه‌های مشاوره‌ی روان‌شناختی مبتنی بر قرآن، درمان‌های معنوی-روانی و طراحی محتوای دینی القای آرامش پیشنهاد می‌کند. این رویکرد، نه تنها به تفسیر غنی‌تر آیات کمک می‌کند، بلکه پلی بین علوم انسانی دینی و علوم روان‌شناختی مدرن ایجاد می‌نماید و زمینه‌ی بهره‌گیری از پتانسیل‌های درمانی زبان قرآن را فراهم می‌سازد.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف مفهومی و روش‌شناختی، به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. چگونه واژگان انتزاعی قرآن کریم احساسات مختلفی مانند عشق، ترس، امید، آرامش، خشیت و انس را بازتاب می‌دهند؟

۲. این احساسات چه نقشی در برقراری و تقویت ارتباط عاطفی میان مخاطب و متن قرآن ایفا می‌کنند؟

۳. درک احساسات نهفته در این واژگان چگونه می‌تواند به تفسیر دقیق‌تر پیام‌های قرآن و کاربردهای روان‌شناختی آن منجر شود؟

### مبانی نظری

درک عمیق از چگونگی گسترش معنای واژگان انتزاعی قرآن و بازتاب احساسات در آن‌ها مستلزم تکیه بر چارچوب‌های نظری هم‌خوان و مکملی است که در تقاطع زبان‌شناسی، شناخت و روان‌شناسی قرار می‌گیرند. از این رو، معناشناسی شناختی به‌عنوان بنیادی‌ترین پایه‌ی نظری این پژوهش، رویکردی ارائه می‌دهد که در آن معنا نه به‌عنوان یک موجودیت ثابت و خارج از ذهن، بلکه به‌عنوان محصولی پویا از تعامل انسان با تجربیات جسمانی، فرهنگی و زمینه‌های گفتاری در نظر گرفته می‌شود. این دیدگاه، که ریشه در آثار لیکاف و جانسون<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) دارد، بر این اصل استوار است که انسان برای درک مفاهیم انتزاعی مانند عدل، تقوا یا رحمت از تجربیات محسوس خود استعاره می‌کند. به‌همین دلیل، واژگان انتزاعی قرآن نیز اغلب از طریق طرحواره‌های تصویری (مانند تعادل، حرکت، محافظت) و استعاره‌های مفهومی (مانند «زندگی به‌عنوان سفر» یا «خداوند به‌عنوان نور») معنا می‌یابند. در این چارچوب، پدیده‌ی چندمعنایی نیز نه به‌عنوان یک ابهام، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از غنای شناختی تفسیر می‌شود؛ چرا که معانی مختلف یک واژه حول یک پیش‌نمونه‌ی مرکزی سازمان یافته و از طریق فرآیندهای استعاره‌ی در شبکه‌ای شعاعی گسترش می‌یابند (Emdadi et al., 2021).

این دیدگاه به‌ویژه در مطالعات قرآنی اهمیت دوچندان می‌یابد، زیرا امکان درک چندبعدی و زمینه‌مند معنا را فراهم می‌کند و از تفسیر یک‌سویه و کاهش‌گرایانه جلوگیری می‌نماید (Khakpour &

Belvardi, 2015).

<sup>۱</sup> . Lakoff & Johnson

این رویکرد معناشناختی، خود زیرشاخه‌ای از گرایش گسترده‌تری به نام زبان‌شناسی شناختی است که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به عنوان واکنشی به ساختارگرایی و رفتارگرایی شکل گرفت. زبان‌شناسی شناختی بر این اصل استوار است که ساختارهای زبانی بازتابی مستقیم از نحوه‌ی مفهوم‌سازی انسان از جهان هستند (Langacker, 1987). به بیان دیگر، هر بیان زبانی نوعی نمایش شناختی از یک تجربه یا رویداد است. در این چارچوب، حتی افعال نیز صرفاً نشانه‌های دستوری نیستند، بلکه نمایانگر فرآیندهای پویا و تدریجی تغییر و تحول در ذهن محسوب می‌شوند. قائمی‌نیا (۱۴۰۰) تأکید می‌کند که فعل در زبان‌شناسی شناختی، بازتابی از پی‌درپی بودن رویدادها و تداوم فرآیندهای شناختی است که هرگز در یک نقطه‌ی ثابت متوقف نمی‌شود. این دیدگاه برای تحلیل واژگان انتزاعی قرآن بسیار حائز اهمیت است، زیرا نشان می‌دهد که معانی این واژگان نیز در گذر زمان و در تعامل با زمینه‌های مختلف، دچار تحول و گسترش می‌شوند. بنابراین، زبان‌شناسی شناختی نه تنها به تحلیل ساختار واژگان، بلکه به درک دینامیک معنا در متن مقدس کمک می‌کند (Qaemi-Nia, 2021).

با این حال، برای درک کامل تأثیر واژگان انتزاعی قرآن بر مخاطب، نیاز است فراتر از ساختارهای شناختی رفته و به ابعاد روان‌شناختی زبان نیز توجه شود. روان‌شناسی زبان، به عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای، به بررسی رابطه‌ی بین زبان، ذهن و رفتار می‌پردازد و در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای به نقش احساسات در پردازش زبان توجه کرده است. پژوهش‌های عصب‌روان‌شناختی نشان داده‌اند که واژگان باردار از احساس چه مثبت (مانند امید، عشق) و چه منفی (مانند ترس، نفرت) سریع‌تر پردازش می‌شوند و فعالیت بیشتری در نواحی عاطفی مغز (مانند آمیگدال) ایجاد می‌کنند (Kousta et al., 2011). در این راستا، مفهوم «بار عاطفی واژه»<sup>۱</sup> به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در روان‌شناسی زبان مطرح شده است؛ این مفهوم به میزان مثبت یا

منفی بودن احساسی اشاره دارد که یک واژه در مخاطب القا می‌کند (Bradley & Lang, 1999). این دیدگاه برای مطالعه‌ی واژگان انتزاعی قرآن بسیار حائز اهمیت است، زیرا بسیاری از این واژگان — مانند «سکینه»، «رجاء»، «خشیت» یا «تقوی» — ذاتاً دارای بار عاطفی قوی هستند و نقشی محوری در شکل‌دهی به تجربه‌ی معنوی و روانی مخاطب ایفا می‌کنند. برخلاف برخی دیدگاه‌های کلاسیک که بر جهان‌بینی‌های کیفی زبان تأکید داشتند، روان‌شناسی زبان معاصر بر پایه‌ی شواهد تجربی و آزمایشگاهی استوار است و مکانیسم‌های شناختی و عاطفی مشخصی را برای تبیین رابطه‌ی زبان و احساس ارائه می‌دهد. از این رو، این حوزه ابزاری قدرتمند برای درک چگونگی تأثیر واژگان قرآن بر حالت‌های عاطفی، روانی و حتی رفتاری مخاطب فراهم می‌آورد و زمینه‌ی ارتباط میان علوم دینی و علوم روان‌شناختی را هموار می‌سازد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف تحلیل گسترش معنای مرکزی و معنای جدید در شبکه شاعری واژگان انتزاعی قرآن کریم و بررسی بار عاطفی آن‌ها از منظر زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی زبان، با رویکردی کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی انجام شده است. این روش، که در مطالعات زبان‌شناختی و تفسیر متون کلاسیک رواج گسترده‌ای دارد (Creswell, 2014)، امکان تحلیل عمیق، سیستماتیک و زمینه‌مند پدیده‌های زبانی را فراهم می‌کند و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا ضمن توصیف ساختارهای معنایی، به تفسیر و تبیین روابط شناختی و عاطفی درون متن بپردازد.

جامعه پژوهش، تمامی آیات قرآن کریم است که در آن‌ها واژگان انتزاعی با بار عاطفی مشخص — مانند «تقوی»، «عدل»، «سکینه»، «رجاء»، «خوف»، «خشیت»، «رحمت» و «انس» — به کار رفته‌اند. برای دستیابی به داده‌های مرتبط، ابتدا از طریق مطالعه‌ی تفاسیر معتبر (از جمله تفسیر المیزان، تفسیر فی ظلال القرآن و تفسیر المجمع) و

<sup>۱</sup> . affective valence

واژه‌نامه‌های تخصصی قرآن (مانند مفردات الراغب و تفسیر منشور)، فهرستی اولیه از واژگان انتزاعی همراه با معانی و زمینه‌های کاربردی آن‌ها تهیه شد. سپس، با روش نمونه‌گیری هدفمند، آیاتی انتخاب گردیدند که در آن‌ها این واژگان در سیاق‌هایی به کار رفته‌اند که القای احساسات خاصی (مانند آرامش، ترس مقدس، امید یا عشق الهی) در آن‌ها برجسته باشد. این روش نمونه‌گیری، که در پژوهش‌های کیفی برای دستیابی به «اطلاعات غنی و معنادار» توصیه می‌شود (Patton, 2015)، اطمینان حاصل کرد که داده‌ها از حداکثر تنوع معنایی و عاطفی برخوردار باشند.

در مرحله‌ی تحلیل داده‌ها، از تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تحلیل تماتیک استفاده شد (Braun & Clarke, 2006). این فرآیند در چند گام انجام گرفت: ابتدا تمامی آیات مرتبط کدگذاری اولیه شدند و هر مورد کاربرد واژه‌ی انتزاعی به همراه سیاق آن ثبت گردید. سپس، با تکیه بر چارچوب نظری پژوهش به‌ویژه مفاهیم «شبکه شعاعی»، «پیش‌نمونه معنایی»، «استعاره مفهومی» و «بار عاطفی واژه» کدهای اولیه دسته‌بندی و به تم‌های معنایی و عاطفی تبدیل شدند. در این فرآیند، هر واژه نه تنها از منظر گسترش معنایی در شبکه‌ی شعاعی، بلکه از جنبه‌ی نوع احساس القاشده (مثبت/منفی، فعال/منفعل، فردی/اجتماعی) و نقش آن در شکل‌دهی به رابطه‌ی مخاطب با متن مورد بررسی قرار گرفت. برای افزایش دقت تفسیر، از تفاسیر معتبر و منابع روان‌شناختی مرتبط با پردازش زبان عاطفی نیز به‌عنوان منابع کمکی استفاده شد.

اعتبار پژوهش نیز از طریق اعتبار درونی و قابلیت انتقال تأمین گردید. برای این منظور، از روش کدگذاری مستقل توسط دو پژوهشگر و سپس بررسی توافق بین کدگذاری بهره گرفته شد. همچنین، نقل‌قول‌های مستقیم از آیات قرآن و ارجاع به تفاسیر معتبر، شفافیت و قابلیت ردیابی یافته‌ها را افزایش داد. در نهایت، پژوهش حاضر تلاش کرده است تا ضمن بازنمایی چگونگی گسترش معانی در

واژگان انتزاعی قرآن در چارچوب شبکه‌ی شعاعی، نقش این واژگان را در القای احساسات و تأثیر بر حالت‌های روانی و معنوی مخاطب به‌صورت سیستماتیک و مبتنی بر شواهد تحلیل نماید.

### یافته‌ها

در پرتو تحلیل تماتیک کیفی و با تمرکز بر عنوان پژوهش کاربرد شناخت احساسات در واژگان انتزاعی قرآن تمامی داده‌های استخراج‌شده از آیات قرآن کریم در یک مقوله اصلی و چهار مقوله فرعی سازمان‌یافتند. این ساختار نشان می‌دهد که واژگان انتزاعی قرآن نه تنها حامل معانی شناختی هستند، بلکه به‌عنوان ابزارهایی برای شناخت، تنظیم و القای احساسات در مخاطب عمل می‌کنند؛ همان‌گونه که به زعم نایدنثال<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در روان‌شناسی زبان معاصر، واژگان عاطفی به‌عنوان مؤلفه‌هایی در فرآیندهای شناختی-احساسی شناخته می‌شوند (Niedenthal et al., 2009).

### جدول ۱: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی

| مقوله اصلی                   | مقوله‌های فرعی                   |
|------------------------------|----------------------------------|
| واژگان انتزاعی قرآن به‌عنوان | نام‌گذاری و تمایز احساسات پیچیده |
| ابزارهای شناخت احساسات       | تنظیم احساسات از طریق بازسازی    |
|                              | شناختی                           |
|                              | القای احساسات مثبت از طریق       |
|                              | استعاره‌های مفهومی               |
|                              | کارکرد درمانی و پیشگیرانه در     |
|                              | سلامت روان                       |

مقوله اصلی: واژگان انتزاعی قرآن به‌عنوان ابزارهای شناخت احساسات

منظور از واژگان انتزاعی قرآن به‌عنوان ابزارهای شناخت احساسات در قرآن کریم آن است که مفاهیم قرآنی فراتر از انتقال مفاهیم اعتقادی، سازوکارهایی شناختی-احساسی فراهم می‌کنند که به مخاطب امکان می‌دهند احساسات خود را درک، نام‌گذاری، تنظیم و حتی دگرگون کند. این فرآیند با مفهوم «شناخت احساسات» در

<sup>۱</sup> . Niedenthal

روان‌شناسی زبان همخوانی دارد، که بر این اصل استوار است که زبان نه تنها احساسات را بیان می‌کند، بلکه در شکل‌دهی و پردازش آن‌ها نقش فعال دارد (Kousta et al., 2011).

### زیرمقاله اول: نام‌گذاری و تمایز احساسات پیچیده

قرآن کریم با به‌کارگیری واژگان دقیق و ظریف، احساسات پیچیده‌ای را که در زبان‌های عامیانه گاه یکسان در نظر گرفته می‌شوند، از یکدیگر تمیز می‌دهد. برای نمونه، «وجل» در آیه‌ی «إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» (انفال: ۲) نه ترس ساده، بلکه ترسی آمیخته با احترام و عظمت‌گرایی است؛ در حالی که «خوف» در آیات دیگر (مانند طه: ۴۶) بیشتر به ترس از خطر یا عذاب اشاره دارد. همچنین، «اطمینان» در «تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» (رعد: ۲۸) حالتی فراتر از «آرامش» است و بیانگر ثبات درونی ناشی از ارتباط معنوی است. این تمایز واژگانی، به مخاطب کمک می‌کند تا احساسات خود را با دقت بیشتری درک و پردازش کند؛ همان‌گونه که در روان‌شناسی، «دقت عاطفی»<sup>۱</sup> به‌عنوان عاملی کلیدی در سلامت روان شناخته می‌شود (Barrett et al., 2001). آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه: ۶) با درخواست «هدایت»، احساس نیاز عمیق به روشنایی و امنیت را بیان می‌کند، در حالی که آیه بعدی (فاتحه: ۷) با تمایز «المغضوب» و «الضالین»، ترس از انحراف و امید به پیروی از راه‌های الهی را القا می‌کند. این ظرافت‌های معنایی، نشان‌دهنده‌ی ظرفیت قرآن در نام‌گذاری دقیق احساسات وجودی است.

### زیرمقاله دوم: تنظیم احساسات از طریق بازسازی شناختی

قرآن کریم به‌طور هوشمندانه‌ای از مکانیسم بازسازی شناختی<sup>۲</sup> که در روان‌شناسی هیجان به‌عنوان یکی از مؤثرترین استراتژی‌های تنظیم هیجان شناخته می‌شود (Gross, 2015) بهره می‌برد تا مخاطب را در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا یاری کند. این فرآیند از طریق بازتعریف معنای رویدادها و ارائه‌ی چارچوب‌های جدید شناختی صورت می‌گیرد. برای نمونه، آیه‌ی «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۶)

نه تنها وعده‌ای برای آینده، بلکه یک قانون وجودی است که سختی‌ها را ذاتاً موقتی و همراه با رهایی نشان می‌دهد؛ این دیدگاه، اضطراب ناشی از بحران‌ها را با القای امید تعدیل می‌کند. به‌همین ترتیب، آیه‌ی «وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (نور: ۴۳) با انتقال نهایی همه‌ی امور به خداوند، بار مسئولیت و کنترل را از دوش انسان برداشته و حس آرامش و تسلیم‌شدگی معنوی را جایگزین می‌کند. همچنین، آیه‌ی «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره: ۲۱۶) نیز نمونه‌ای دیگر از بازسازی شناختی است؛ جایی که یک رویداد ناخواسته (مانند جنگ یا شکست) دوباره ارزش‌گذاری شده و به‌عنوان منبعی برای خیر و رشد درونی تفسیر می‌شود. آیه «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره: ۲۱۶) نیز رویدادهای ناخواسته را دوباره ارزش‌گذاری کرده و به‌عنوان منبعی برای رشد درونی تفسیر می‌کند. همچنین، آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ» (آل عمران: ۱۳۹) با نفی «وهن» و «حزن» و تأکید بر «اعلون»، چارچوبی جدید برای درک شکست و غم ارائه می‌دهد. این الگوی قرآنی، با یافته‌های معاصر روان‌شناسی همخوانی دارد که نشان می‌دهند افرادی که رویدادهای منفی را در چارچوب‌های معنادار یا مثبت‌تری تفسیر می‌کنند، سطح پایین‌تری از اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کنند (Webb et al., 2012). بنابراین، قرآن نه تنها احساسات منفی را سرکوب نمی‌کند، بلکه با ارائه‌ی ساختارهای شناختی جدید، به مخاطب کمک می‌کند تا آن‌ها را به‌صورت سالم‌تری پردازش و تنظیم کند.

### زیرمقاله سوم: القای احساسات مثبت از طریق استعاره‌های مفهومی

قرآن کریم از استعاره‌های مفهومی برای القای احساسات مثبت استفاده می‌کند. به‌عنوان مثال، «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵) از تجربه‌ی محسوس «نور» برای القای احساساتی چون روشنایی، امید و هدایت بهره می‌برد. همچنین، «حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ» (نحل: ۹۷) نه تنها زندگی‌ای راحت، بلکه زندگی‌ای با کیفیت درونی و معنوی را توصیف می‌کند که با احساس رضایت و سلامت روان همراه است.

<sup>۱</sup> . emotional granularity

<sup>۲</sup> . cognitive reappraisal

همچنین، آیهی «ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (فجر: ۳۰) با ترکیب «راضیه» (رضایت درونی) و «مرضیه» (پذیرش الهی)، حس آرامش پایان‌زندگی را القا می‌کند. همچنین، «سَبَلُ السَّلَام» (مائده: ۱۶) و «شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (یونس: ۵۷) از طریق استعاره‌های «صلح» و «شفا»، احساساتی چون آرامش، تطهیر و امنیت درونی را منتقل می‌کنند. این الگوی استعاری، هماهنگ با یافته‌های روان‌شناسی زبان است که نشان می‌دهد واژگان مثبت و تصویری، پردازش عاطفی سریع‌تری دارند و فعالیت نواحی مرتبط با پاداش در مغز را افزایش می‌دهند (Kousta et al., 2011). بنابراین، استعاره‌های قرآن نه تنها ابزار بلاغی، بلکه مکانیسم‌های شناختی-احساسی مؤثر برای القای رفاه روانی هستند، بلکه طرحواره‌های تصویری را فعال می‌کنند که در روان‌شناسی زبان، به‌عنوان پلی بین تجربه‌ی جسمانی و درک مفاهیم انتزاعی شناخته می‌شوند (Lakoff, 1987).

### زیرمقاله چهارم: کارکرد درمانی و پیشگیرانه در سلامت روان

واژگان انتزاعی قرآن کریم کارکردهای روان‌شناختی مشخصی دارند که می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی در مداخلات بالینی و مشاوره‌ی معنوی-روان‌شناختی به‌کار گرفته شوند. آیهی «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۵۳) نه تنها یک وعده‌ی الهی، بلکه یک مکانیسم ضد ناامیدی قوی است که با نفی «قنوط» (ناامیدی مطلق) و تأکید بر گستردگی «رحمت»، حس امید را در افراد دچار افسردگی یا عذاب وجدان بازسازی می‌کند. این رویکرد با اصول درمان‌های شناختی-رفتاری (CBT) همخوانی دارد که بر تغییر باورهای ناامیدکننده تمرکز دارند (Beck, 2020). همچنین، دستور «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵) راهکاری عملی برای مدیریت استرس ارائه می‌دهد؛ جایی که «صبر» به‌عنوان تاب‌آوری شناختی و «صلوة» به‌عنوان عملی ذهن‌آگاهانه<sup>۱</sup> عمل می‌کنند. این دو عنصر، با رویکردهای معاصر درمان‌های مبتنی بر ذهن‌آگاهی (MBIs)

هم‌راستا هستند که بر حضور ذهنی و پذیرش غیرقضاوت‌آمیز تأکید دارند (Kabat-Zinn, 2013). همچنین، آیه «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷) با نفی یأس، پیام امید به کمک الهی را القا می‌کند. آیاتی مانند «يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان: ۶۳) و «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (نحل: ۱۲۵) نیز بر مدیریت احساسات منفی در تعاملات اجتماعی تأکید دارند. علاوه بر این، «مَعِيشَةُ ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴) در مقابل «حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ» (نحل: ۹۷)، ارتباط مستقیم بین غفلت از ذکر الهی و ناراحتی روانی را نشان می‌دهد. علاوه بر این، آیهی «تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» (رعد: ۲۸) نیز نشان می‌دهد که «ذکر» می‌تواند به‌عنوان یک تکنیک آرامش‌بخش در کاهش اضطراب عمل کند — همان‌گونه که در روان‌شناسی، تکرار کلمات مثبت برای کاهش فعالیت سیستم عصبی سمپاتیک مؤثر شناخته شده‌اند (Goyal et al., 2014). این یافته‌ها نشان می‌دهند که قرآن کریم نه تنها متنی الهام‌بخش، بلکه منبعی غنی از استراتژی‌های روان‌شناختی مبتنی بر شواهد است که می‌تواند در طراحی مداخلات فرهنگی-معنوی برای بهبود سلامت روان جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان کاربرد شناخت احساسات در واژگان انتزاعی قرآن: تحلیل با رویکرد روان‌شناسی زبان، در پرتو تلفیق دو حوزه‌ی میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی زبان، به بررسی سازوکارهایی پرداخت که از طریق آن‌ها واژگان انتزاعی قرآن کریم، فراتر از انتقال مفاهیم اعتقادی، در فرآیندهای شناختی-احساسی مخاطب دخالت می‌کنند. یافته‌های تحلیل تماتیک نشان داد که این واژگان نه تنها در چارچوب شبکه‌ی شعاعی گسترش می‌یابند، بلکه به‌عنوان ابزارهای فعال شناخت احساسات عمل می‌کنند، یعنی به مخاطب امکان می‌دهند تا احساسات خود را نام‌گذاری کند، آن‌ها را تنظیم کند و حتی معنای جدیدی به تجربیات عاطفی خود

<sup>۱</sup> . mindful practice

بیخشد. این یافته، با چارچوب نظری شناخت احساسات در روان‌شناسی زبان همخوانی دارد که بر این اصل استوار است که زبان نه تنها بازتاب‌دهنده‌ی احساسات است، بلکه در شکل‌دهی و پردازش آن‌ها نقش سازنده دارد.

از منظر تطبیق با پیشینه‌ی پژوهش، می‌توان گفت که این مطالعه هم‌سویی قابل توجهی با آثار شیخی و همکاران (۱۴۰۱)، امدادی و همکاران (۱۴۰۰) و نیلی‌پور (۱۳۹۵) دارد (Emdadi et al., 2021; Nilipour et al., 2016; Sheikhi et al., 2022). به‌ویژه در تأیید این که معانی واژگان قرآنی حول یک پیش‌نمونه‌ی مرکزی در شبکه‌ای شعاعی سازمان‌یافته و از طریق استعاره و طرحواره‌های تصویری گسترش می‌یابند. با این حال، وجه تمایز یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها در گسترش این چارچوب از حوزه‌ی صرفاً معناشناختی به حوزه‌ی روان‌شناختی-عاطفی است. در حالی که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به «چه معنایی» واژه دارد؟، پرداخته‌اند؛ این پژوهش به «چه احساسی» القا می‌کند؟ و «چه کارکردی» در سلامت روان دارد؟، توجه کرده است. این گام، شکاف و خلاء نظری و مفهومی را در ادبیات موجود پر می‌کند، زیرا همان‌گونه که خاکپور و بلوردی (۱۳۹۴) نیز اشاره کرده‌اند؛ تمرکز بر جنبه‌های عاطفی زبان قرآن همچنان کم‌رنگ مانده است (Khakpour & Belvardi, 2015).

یافته‌های این پژوهش از سه جهت قابل تأمل است؛ اول، این که قرآن کریم با ظرافت شگفت‌انگیزی بین احساسات پیچیده تمایز قائل می‌شود: «وجل» (ترس آمیخته با تعظیم)، «خوف» (ترس از عذاب)، «خشیت» (ترس همراه با امید) و «اطمینان» (ثبات درونی ناشی از ذکر الهی) هر کدام واژگانی مجزا هستند که با مفهوم «دقت عاطفی»<sup>۱</sup> در روان‌شناسی معاصر هم‌خوانی دارند (Barrett et al., 2001). افرادی که توانایی تمایز دقیق بین احساسات خود را دارند، سطح

بالاتری از سلامت روان و تاب‌آوری را نشان می‌دهند. قرآن، با ارائه‌ی این واژگان ظریف، به مخاطب این ظرفیت را می‌دهد.

دوم، قرآن از مکانیسم‌هایی استفاده می‌کند که در روان‌شناسی هیجان به‌عنوان استراتژی‌های تنظیم هیجان شناخته می‌شوند. به‌ویژه، بازسازی شناختی<sup>۲</sup> که به‌عنوان مؤثرترین استراتژی تنظیم هیجان در مدل گروس<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) شناخته می‌شود؛ در آیاتی مانند «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح: ۶) یا «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره: ۲۱۶) به‌وضوح دیده می‌شود. این آیات، رویدادهای منفی را در چارچوبی معنادار و مثبت دوباره تفسیر می‌کنند و بدین ترتیب، اضطراب و ناامیدی را تعدیل می‌نمایند. این رویکرد، نشان‌دهنده‌ی همسویی عمیق قرآن با اصول روان‌درمانی مدرن است (Gross, 2015).

سوم، قرآن از استعاره‌های مفهومی برای القای احساسات مثبت استفاده می‌کند که با فعال‌سازی طرحواره‌های تصویری، پلی بین تجربه‌ی جسمانی و درک مفاهیم انتزاعی ایجاد می‌کند (Lakoff, 1987). استعاره‌ی «اللَّهُ نُورٌ...» (نور: ۳۵) یا «حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ» (نحل: ۹۷) نه تنها بلاغت زبانی هستند، بلکه مکانیسم‌های شناختی-احساسی هستند که امید، امنیت و رضایت درونی را القا می‌کنند. این یافته، با پژوهش‌های عصب‌روان‌شناختی کوستا و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارد که نشان می‌دهند واژگان مثبت و تصویری، فعالیت نواحی مرتبط با پاداش در مغز (مانند قشر پیش‌پیشانی) را افزایش می‌دهند (Kousta et al., 2011).

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که زبان قرآن کریم یک سامانه‌ی شناختی-عاطفی یکپارچه است که هم‌زمان بر ابعاد معنایی، هیجانی و رفتاری انسان تأثیر می‌گذارد. این پژوهش نشان داد که قرآن نه تنها متنی الهام‌بخش، بلکه منبعی غنی از استراتژی‌های روان‌شناختی مبتنی بر شواهد است که می‌تواند در طراحی مداخلات فرهنگی-معنوی برای بهبود سلامت روان جامعه مورد استفاده قرار گیرد. این یافته،

<sup>3</sup> . Gross

<sup>1</sup> . emotional granularity

<sup>2</sup> . cognitive reappraisal

پلی بین علوم دینی و علوم انسانی مدرن ایجاد می‌کند و زمینه‌ی گفت‌وگویی بین‌رشته‌ای را فراهم می‌آورد که در آن، قرآن نه به‌عنوان یک متن تاریخی، بلکه به‌عنوان یک منبع زنده‌ی هدایت روانی-معنوی درک شود.

### پیشنهاده‌ها

۱. تحلیل تطبیقی ترجمه‌های قرآن از منظر روان‌شناسی زبان پیشنهاد می‌شود مطالعات سیستماتیک برای شناسایی و مقایسه‌ی نحوه‌ی بازتولید بار عاطفی و ساختارهای تأکیدی واژگان انتزاعی قرآن در ترجمه‌های فارسی انجام شود. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند با استفاده از روش‌های روان‌زبان‌شناسی (مانند ارزیابی درک مخاطب یا اندازه‌گیری پاسخ‌های عاطفی) انجام گیرد و به ارتقای کیفیت ترجمه‌های قرآن به‌عنوان متونی با کارکرد روان‌شناختی کمک کند.
۲. طراحی و ارزیابی مداخلات درمانی مبتنی بر آیات قرآن با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر کارکرد آرامش‌بخش آیاتی مانند «تَطْمِئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ» (رعد: ۲۸)، پیشنهاد می‌شود مطالعات تجربی برای طراحی و ارزیابی اثربخشی «درمان‌های معنوی-روان‌شناختی مبتنی بر قرآن» در کاهش اضطراب، افسردگی و استرس انجام شود.

engagement with the human capacity for conceptualization and emotional inference, enabling the text to resonate across diverse experiential contexts. Prior studies in Qur'anic semantics have demonstrated that abstract terms frequently operate within polysemous structures organized around a central prototype, expanding metaphorically through radial networks that accommodate moral, spiritual, and existential meanings (Khakpour & Belvardi, 2015; Lakoff, 1987). At the same time, research in affective science emphasizes that emotion is inseparable from cognition and decision-making, with linguistic stimuli playing a central role in emotion elicitation and regulation (Damasio, 1999). Against this background, the present study situates Qur'anic abstract vocabulary at the intersection of cognitive linguistics and psycholinguistics, arguing

۳. تدوین راهنمای تفسیر عاطفی-شناختی قرآن

ضروری است کتاب یا منبع آموزشی‌ای تدوین شود که ساختارهای زبانی و معنایی قرآن به‌ویژه واژگان انتزاعی را با تأکید بر بار عاطفی، طرحواره‌های تصویری و مکانیسم‌های تنظیم هیجان تبیین کند. چنین منبعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کاربردی برای مترجمان، مفسران و مخاطبان فارسی‌زبان عمل کند و درک عمیق‌تری از «زبان به‌عنوان ابزار شناخت احساسات» فراهم آورد.

۴. برنامه‌ریزی آموزشی برای متخصصان سلامت روان

برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های تخصصی برای آموزش مفاهیم روان‌شناختی قرآن به مشاوران، روان‌شناسان، مربیان معنوی و معلمان پیشنهاد می‌شود. این برنامه‌ها می‌توانند بر کاربرد عملی واژگانی مانند «صبر»، «ذکر» و «رجاء» در مدیریت هیجان و تقویت امید تمرکز کنند و به‌عنوان بخشی از «روان‌درمانی فرهنگی-معنوی» در نظام‌های سلامت روان گنجانده شوند.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

The Holy Qur'an, beyond its status as a sacred and inspirational text, constitutes a highly sophisticated cognitive-affective linguistic system in which abstract vocabulary plays a decisive role in shaping the emotional and cognitive experience of the audience. Abstract Qur'anic terms such as *taqwā* (piety), *sakīnah* (tranquility), *rajā'* (hope), *khawf* (fear), and *hashyah* (reverent awe) do not merely transmit doctrinal meanings; rather, they activate complex networks of cognition and emotion that guide perception, evaluation, and behavioral orientation. From the perspective of cognitive semantics, meaning is not static but emerges dynamically through interaction between linguistic forms, embodied experience, and cultural-conceptual frameworks. In this regard, the Qur'an's reliance on abstract lexemes reflects a deliberate

that such vocabulary functions as an instrument of emotion cognition—allowing individuals to recognize, differentiate, regulate, and reframe their emotional states through language (Kousta et al., 2011).

Within the theoretical framework of cognitive linguistics, the radial network model provides a particularly robust tool for analyzing Qur’anic abstract terms. According to this model, a lexical item possesses a core or prototypical meaning, while its extended senses radiate outward through metaphorical and schematic relations grounded in embodied experience (Lakoff, 1987). Qur’anic scholarship employing this approach has shown, for instance, that terms denoting physical paths (*ṣirāṭ*, *sabīl*, *ṭarīq*) develop moral and spiritual extensions structured by image schemas such as motion, containment, and direction (Sheikhi et al., 2022). Similar findings have been reported for highly abstract moral–spiritual terms, whose semantic networks reveal systematic extensions rather than arbitrary ambiguity (Emdadi et al., 2021). Notably, analyses of *taqwā* demonstrate a shift from a concrete sense of “protection” or “guarding” toward a relational and ethical sense of vigilant God-consciousness, organized around a single conceptual nucleus (Nilipour et al., 2016). While these studies have significantly advanced our understanding of Qur’anic meaning construction, they have largely remained within the domain of semantics and conceptual structure. Less attention has been devoted to the emotional consequences of these semantic networks, despite growing evidence in psycholinguistics that emotionally laden words are processed more rapidly, elicit stronger neural activation, and exert a measurable influence on affective regulation (Bradley & Lang, 1999; Kousta et al., 2011). This gap underscores the need for an integrated approach that examines not only how abstract Qur’anic meanings are structured, but also how they shape emotional experience.

Psycholinguistic research has consistently shown that language does not simply label pre-existing emotions; it actively participates in emotion

construction, differentiation, and regulation. The concept of “emotion cognition” highlights the role of linguistic categories in enabling individuals to perceive and interpret their internal affective states with greater precision (Niedenthal et al., 2009). Emotional granularity—the ability to distinguish between closely related affective states—has been identified as a key predictor of psychological resilience and mental health (Barrett et al., 2001). In this light, the Qur’an’s nuanced emotional lexicon appears particularly significant. Terms such as *khawf*, *khashyah*, and *wajal* are not interchangeable; each encodes a distinct emotional configuration involving fear, reverence, awareness, and hope. Such lexical differentiation equips the audience with a refined emotional vocabulary that facilitates more adaptive emotional appraisal. Moreover, contemporary models of emotion regulation emphasize cognitive reappraisal as one of the most effective strategies for managing distress, involving the reinterpretation of events in a way that alters their emotional impact (Gross, 2015). Numerous Qur’anic expressions exemplify this mechanism by reframing hardship, loss, or uncertainty within broader meanings of purpose, divine wisdom, and eventual relief, thereby transforming negative affect into hope and perseverance. Empirical studies in psychology confirm that such reappraisal-oriented narratives are associated with reduced anxiety and depressive symptoms (Webb et al., 2012). Consequently, Qur’anic abstract vocabulary can be understood as providing linguistically encoded reappraisal frameworks that align closely with evidence-based psychological principles.

Methodologically, the present study adopts a qualitative, descriptive–analytical design grounded in thematic analysis, an approach well suited to exploring complex linguistic and psychological phenomena within rich textual data (Creswell, 2014). The corpus consists of purposively selected Qur’anic verses containing abstract terms with clear affective salience, identified through consultation of classical lexicons and authoritative exegetical sources. Purposeful sampling was

employed to ensure maximal variation in emotional content and contextual usage, consistent with qualitative research standards aimed at depth rather than representativeness (Patton, 2015). Data analysis followed established procedures for thematic analysis, involving iterative coding, theme development, and theoretical integration (Braun & Clarke, 2006). Analytical categories were informed by concepts from cognitive semantics (radial networks, prototype structure, conceptual metaphor) and psycholinguistics (emotional valence, emotion regulation, affective processing). To enhance credibility, coding was conducted independently and cross-checked, and interpretations were continuously triangulated with exegetical insights and relevant psychological literature. This integrative methodology enabled a systematic examination of how semantic expansion and emotional function co-occur within Qur'anic abstract vocabulary.

The findings reveal a central theme of “Qur'anic abstract vocabulary as instruments of emotion cognition,” supported by four interrelated subthemes: the naming and differentiation of complex emotions, emotion regulation through cognitive reappraisal, induction of positive emotions via conceptual metaphors, and therapeutic–preventive functions in mental health. First, the Qur'an demonstrates a remarkable capacity to lexicalize subtle emotional distinctions, thereby enhancing emotional awareness and granularity. Second, many abstract terms operate within reappraisal structures that reinterpret adversity and uncertainty, fostering hope, patience, and trust. Third, the Qur'an extensively employs conceptual metaphors—such as light, healing, and pathways of peace—to evoke positive affective states grounded in embodied experience, a process known to facilitate rapid and enduring emotional processing (Kousta et al., 2011; Lakoff, 1987). Finally, these mechanisms collectively point to clear therapeutic and preventive implications. Parallels can be drawn between Qur'anic strategies and contemporary psychotherapeutic approaches, including cognitive–behavioral therapy, which

targets maladaptive beliefs (Beck, 2020), and mindfulness-based interventions that emphasize present-centered awareness and acceptance (Kabat-Zinn, 2013). Empirical evidence further supports the anxiety-reducing effects of repetitive, meaningful verbal practices, resonating with Qur'anic emphasis on remembrance and reflection (Goyal et al., 2014). Together, these findings position the Qur'an as a rich linguistic reservoir of psychologically adaptive emotion-regulation strategies embedded within abstract vocabulary.

In conclusion, this study demonstrates that the abstract vocabulary of the Qur'an constitutes an integrated cognitive–affective system that actively shapes emotional understanding, regulation, and well-being through linguistically encoded mechanisms. By extending radial network analysis beyond semantics to encompass affective function, the research bridges Qur'anic studies and contemporary psycholinguistics, revealing a convergence between sacred language and evidence-based psychological principles. The Qur'an thus emerges not only as a source of spiritual guidance, but also as a linguistically sophisticated framework for emotion cognition with significant implications for religious counseling, culturally sensitive psychotherapy, and the promotion of community mental health.

## References

- Barrett, L. F., Gross, J., Christensen, K., & Benvenuto, M. (2001). Knowing what you're feeling and knowing what to do about it: Mapping the relation between emotion differentiation and emotion regulation. *Cognition and Emotion*, 15(6), 713-724. <https://doi.org/10.1080/02699930143000239>
- Beck, J. S. (2020). *Cognitive behavior therapy: Basics and beyond*. Guilford Press.
- Bradley, M. M., & Lang, P. J. (1999). *Affective norms for English words (ANEW): Instruction manual and affective ratings*.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>

- Creswell, J. W. (2014). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. SAGE Publications.
- Damasio, A. R. (1999). *The feeling of what happens: Body and emotion in the making of consciousness*. Harcourt Brace.
- Emdadi, A. A., Badakhshan, E., & Dehghan, M. (2021). Examination of Polysemy in Quranic Vocabulary Based on the Cognitive Lexical Semantics Approach. *Comparative Linguistics Research*, 11(21), 199-223.
- Goyal, M., Singh, S., Sibinga, E. M. S., Gould, N. F., Rowland-Seymour, A., Sharma, R., Berger, Z., Sleicher, D., Maron, D. D., Shihab, H. M., Ranasinghe, P. D., Linn, S., Saha, S., Bass, E. B., & Haythornthwaite, J. A. (2014). Meditation programs for psychological stress and well-being: A systematic review and meta-analysis. *JAMA internal medicine*, 174(3), 357-368. <https://doi.org/10.1001/jamainternmed.2013.13018>
- Gross, J. J. (2015). Emotion regulation: Current status and future prospects. *Psychological Inquiry*, 26(1), 1-26. <https://doi.org/10.1080/1047840X.2014.940781>
- Kabat-Zinn, J. (2013). *Full catastrophe living: Using the wisdom of your body and mind to face stress, pain, and illness*. Bantam Books.
- Khakpour, H., & Belvardi, M. (2015). Diachronic Semantics of Quranic Vocabulary in Tafsir al-Mizan. *Quranic Knowledge Research Journal*, 6(21), 43-67.
- Kousta, S. T., Vigliocco, G., Del Campo, E., Vinson, D., & Andrews, M. (2011). The representation of abstract words: Why emotion matters. *Journal of Experimental Psychology: General*, 140(1), 14-34. <https://doi.org/10.1037/a0021446>
- Lakoff, G. (1987). *Women, fire, and dangerous things: What categories reveal about the mind*. University of Chicago Press. <https://doi.org/10.7208/chicago/9780226471013.001.0001>
- Langacker, R. W. (1987). *Foundations of cognitive grammar: Theoretical prerequisites* (Vol. 1). Stanford University Press.
- Niedenthal, P. M., Mermillod, M., Maringer, M., & Hess, U. (2009). The simulation of smiles (SIMS) model: Embodied simulation and the meaning of facial expression. *Behavioral and brain sciences*, 33(6), 417-433. <https://doi.org/10.1017/S0140525X10000865>
- Nilipour, M., Qaemi-Nia, A., & Nosrati, S. b. (2016). Application of Prototype Theory and Radial Network in the Cognitive Semantics of Taqwa in the Quran. *Zehn Journal*, 17(66), 93-117.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice*. SAGE Publications.
- Qaemi-Nia, A. (2021). *Cognitive Semantics of the Quran*. Organization for the Publication of the Research Institute of Culture and Islamic Thought.
- Sheikhi, A., Asghari, B., Zeighami, A., & Aghaei, M. (2022). Application of the Radial Network Theory in the Semantics of Quranic Words (Sirat, Sabil, Tareeq). *Quarterly Journal of Literary-Quranic Research*, 10(3), 63-80.
- Webb, T. L., Miles, E., & Sheeran, P. (2012). Dealing with feeling: A meta-analysis of the effectiveness of strategies derived from the process model of emotion regulation. *Psychological bulletin*, 138(4), 775-808. <https://doi.org/10.1037/a0027600>